

## بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و خودخاموشی در دانشجویان دانشگاه آپادانا

شعله امیری \*

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

### چکیده

دانشجویان از اقشار مستعد و برگزیده جامعه و سازندگان فردای کشور می‌باشند و با توجه به اهمیت تحصیلات دانشگاهی و تقاضای روزافزون از دانشگاه‌ها برای ارتقای کیفیت آموزشی و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان، محققان آموزش دانشگاهی به دنبال مطالعه و بررسی متغیرهای مؤثر برای مواجهه با نیازهای تحصیلی و روانی-اجتماعی دانشجویان هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و خودخاموشی در دانشجویان دانشگاه آپادانا انجام شد. روش تحقیق توصیفی از نوع هم‌بستگی بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه آپادانا شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۱ و حجم نمونه ۸۰ نفر از افراد جامعه بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پژوهش شامل پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند و پرسش‌نامه خودخاموشی بود. داده‌های خام بعد از جمع‌آوری با نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و آزمون فرضیه‌ها در سطح استنباطی با استفاده از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و ضریب هم‌بستگی پیرسون انجام شد. نتایج نشان داد بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با خودخاموشی شرکت‌کنندگان رابطه منفی و معنادار و بین سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه، با خودخاموشی شرکت‌کنندگان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی به صورت منفی و معنادار قادر به پیش‌بینی خودخاموشی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، خودخاموشی

## مقدمه

دانشجویان از اقشار مستعد و برگزیده جامعه و سازندگان فردای کشور می‌باشند که به دلیل واقع شدن در دوره جوانی، در یک دوره بحرانی برای اتخاذ رفتارهای صحیح قرار دارند. با توجه به اهمیت تحصیلات دانشگاهی و تقاضای روزافزون از دانشگاه‌ها برای ارتقای کیفیت آموزشی و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان، محققان آموزش دانشگاهی به دنبال مطالعه و بررسی متغیرهای مؤثر برای مواجهه با نیازهای تحصیلی و روانی-اجتماعی دانشجویان هستند. شناسایی عواملی که منجر به پیروی درست دانشجویان از الگوهای رفتاری می‌شود (جعفرپور و همکاران، ۱۴۰۱).

تأثیر رفتار و طرز فکر والدین در شکل‌گیری چگونگی رفتار کودکان از اهمیت اساسی برخوردار است. والدینی که رابطه مطلوب و درستی با فرزندان خویش دارند، موجب شادمانی، مسئولیت‌پذیری و تکامل شخصیتی فرزندان خود می‌شوند. از سوی دیگر والدینی که رفتار مطلوب و درستی با فرزندان خود ندارند، باعث بروز انواع مشکلات رفتاری در آنان می‌شوند (پاکدامن و همکاران، ۱۳۹۰). برای آنکه کودک به شکل سالم و هنجار رشد یابد بایستی در حد معقول نیازهای شخصیتی، روانی، فیزیکی و اجتماعی او ارضا شود. ناکامی در رفع این نیازها، باعث مشکلات رفتاری، بزهکاری و ناشادی کودک می‌گردد و شرایط خانوادگی زمینه‌ساز این ناکامی‌هاست. ازجمله این شرایط، خانواده‌های ازهم‌پاشیده، طردشدگی کودک، سخت‌گیری و محدودیت شدید، فقر و کمبودهای شخصی و نبودن معیارهای صحیح اعتقادی و اخلاقی در خانواده و... را می‌توان نام برد (Bododo & Ibrahim, 2020).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباط دوسویه میان کودک و والد مشخص می‌شود (Rinaldi & Howe, 2011). این والدین، کودکان‌شان را به وسیله ابزار کلامی و جسمانی حمایت می‌کنند، آنها از کودکان‌شان با محبت و روابط نزدیکی مراقبت می‌کنند و انتظارات‌شان با توانایی‌های کودک‌شان تناسب دارد. فرزندپروری آزادگذار با کمبود مهار والدینی به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک با شکست مواجه می‌شود و با گرایش به تن دادن به خواست‌های کودک مشخص می‌شود (Rinaldi & Howe, 2011). والدین سهل‌گیر هیچ‌گونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این کودکان کم‌ترین میزان اعتماد به نفس، کنجکاوی و خود کنترلی را در هر گروهی از خود نشان می‌دهند همچنین در کنترل تکانه و تشخیص ارزش‌ها مشکل دارند (Bornstein, 2002, Querido et al., 2011).

در سبک‌های فرزندپروری که در آن والدین با فرزندان خود سهل‌گیرانه رفتار می‌کنند، مشارکت و هم‌فکری آنها به حداقل می‌رسد که همین امر سبب اختلالات شخصیتی و روانی در فرزندان می‌شود (Haeny et al., 2020).

میلینگر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فرزندپروری مقتدرانه هم‌بستگی با دل‌بستگی ایمن دارد و فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه نیز هم‌بستگی مثبتی با دل‌بستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا دارد.

به‌طور کلی رابطه بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می‌توان به‌عنوان نظام یا شبکه‌ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، از طریق سبک‌ها و روش‌های مختلف فرزندپروری در کودکان تأثیر می‌گذارد. در حقیقت اکثر روان‌شناسان صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان خود را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند (Bododo & Ibrahim, 2020).

آنچه در این تحقیق در رابطه با سبک فرزندپروری مورد مطالعه قرار می‌گیرد، خودخاموشی می‌باشد. خودخاموشی به‌صورت تمایل به مراقبت اجباری، خشنودسازی دیگران، مهار ابراز وجود در روابط و تلاش برای دستیابی به صمیمیت و نیازهای رابطه‌ای تعریف شده است (Jack & Ali, 2010). خودخاموشی<sup>۲</sup> به معنای وجود شکاف بین آن چیزی

1. Millings et al.

2. silencing the self

است که فرد احساس می‌کند و می‌خواهد، با آن چیزی که می‌گوید و یا عمل می‌کند (Jack & Ali, 2010). خودخاموشی، نمود تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی در روابط روزمره بین شخصی است. باورها و عقایدی که منجر به خودخاموشی می‌شوند، طرفدار نقش‌های جنسیتی خاص برای زنان هستند. این باورها زنان را ترغیب می‌کنند از ایجاد تضاد و اختلاف در روابط پرهیز کنند و نیازهای دیگران را به نیازهای خودشان ارجح بدانند و خود را با استانداردهای بیرونی که جامعه از آنها توقع دارد، ارزیابی و قضاوت نمایند (Swim et al., 2010). به عبارتی خودخاموشی به وسیله‌ی هنجارها، ارزش‌ها و تصورات به زنان دیکته می‌کند که باید دل‌پذیر، دیگرخواه (با گذشت) و دوست‌داشتنی باشند (Jack, 2010).

جک به نقل از کرامر و تامس<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) چهار مؤلفه‌ی خودخاموشی را بیان کرده است: ۱- درک بیرونی از خود<sup>۲</sup> (قضاوت درباره‌ی خود براساس ادراک دیگران و استانداردهای بیرونی)، ۲- قربانی کردن آگاهانه‌ی خود<sup>۳</sup> (دل‌بستگی ایمن از طریق قرار دادن نیازهای خود بعد از نیازهای دیگران)، ۳- خودخاموشی (بازداشتن اظهارات و جلوگیری از ابراز هیجان در جهت تلاش برای اجتناب از تعارض و احتمالاً از دست دادن رابطه) و ۴- تقسیم کردن خود<sup>۴</sup> (تجاریبی از نشان دادن یک خود بیرونی مطیع برای زندگی با نقش‌هایی که الزاماً زنانه است درحالی که خود درونی با احساس خشم و خصومت پرورش می‌یابد).

روانشناسان بر این باور هستند که خودخاموشی در دو سطح بالا و پایین در افراد گوناگون ایجاد می‌شود. افراد دارای خودخاموشی زیاد برعکس افراد با خودخاموشی کم، انسان‌های از خود گذشته و فداکاری هستند که ناراحتی‌ها و مشکلات‌شان را نزد خود نگه می‌دارند. این قبیل افراد، برای گسترش و حفظ روابط‌شان تلاش زیادی می‌کنند. ناراحتی‌های آنها اغلب به شکل خشم ابراز نشده است. این افراد برای به دست آوردن تأیید دیگران و حفظ روابط‌شان، احساسات واقعی خود را پنهان نگه می‌دارند (Flett et al., 2007).

افراد خودخاموش، ارزیابی بیرونی از خود دارند، از دیگران به قیمت قربانی کردن خود پیروی می‌کنند، بین خودی که باید باشد و باید احساس کند (خود بیرونی) و خودی که هست و احساسات پنهانش را شامل می‌شود (خود درونی)، فاصله و تقسیمی را احساس می‌کند و عقاید و نظرات خود را برای جلوگیری از ایجاد تضاد و تعارض در رابطه نمی‌گوید (Jack, 2010).

نظریه خودخاموشی در ابتدا به وسیله جک (Jack & Ali, 2010) برای بررسی نشانه‌های افسردگی در زنان ارائه شد. این نظریه ادغام جنبه‌های نظریه دل‌بستگی، نظریه‌های ارتباطی و نظریه‌های شناختی برای توضیح و تشریح آسیب‌پذیری به افسردگی است. طبق نظریه دل‌بستگی، ذهن مانند سیم اتصال است که در طول زندگی، تهدید روابط یا تعلق اجتماعی باعث به راه افتادن شبکه عصبی در آن می‌شود که زنگ خطر هشدار از جدایی اجتماعی به شمار می‌رود. وقتی روابط اجتماعی مورد تهدید واقع شد، سامانه دل‌بستگی اجتماعی، توجه و منابع مقابله‌ای تازه‌ای برای جلوگیری از خطر محرومیت اجتماعی و یا جدایی را به کار می‌گیرد (Jack & Ali, 2010). چنین تهدیداتی مجموعه‌ای از رفتارهای دل‌بستگی خاصی را فعال می‌کند که با طرح‌واره‌های ارتباطی خودخاموشی هدایت می‌شود. طرح‌واره‌های شناختی<sup>۵</sup> خودخاموشی از طریق سوق‌دادن به تسلیم شدن در برابر نیازهای دیگران، حذف ابراز وجود، سرکوب خشم و مهار عمل خودگردانی و در نتیجه محدود کردن صمیمیت و استقلال، مشخص می‌شود و می‌تواند باعث آسیب‌پذیری به افسردگی شود. مطالعات بعدی حاکی بود که خودخاموشی، الگوی رفتاری خاص زنان

1. Cramer & Thoms  
2. externalized self-perception  
3. cares self-sacrifice  
4. divided self  
5. cognitive schemas

نیست، بلکه مردان نیز میزان خودخاموشی برابر با جمعیت زنان (Jack & Dill, 1992) و یا حتی بیشتر از زنان (Cramer & Thoms, 2003) را گزارش کرده‌اند.

به‌طور مثال جعفرپور و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت‌عنوان بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و مهارت‌های انگیزش در دانشجویان دانشگاه آپادانا به این نتیجه رسیدند که عدم ارتباط بین دو موضوع فرزندپروری و انگیزه امکان ایجاد اختلالات روحی و روانی را در فرزندان افزایش داده است. در نتیجه، امکان افزایش اضطراب و ناامیدی را بالا برده و سبب کاهش عزت‌نفس و یا پایین آمدن انگیزه در هر فعالیتی شده است. شهابی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت‌عنوان بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین بر عزت‌نفس دانش‌آموزان دختر و پسر نشان دادند که بین فرزندپروری اقتدار منطقی و عزت‌نفس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد اما بین فرزندپروری استبدادی با عزت‌نفس رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

سلیمانی (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت‌عنوان بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین و اختلالات عاطفی-رفتاری دانش‌آموزان شهر زنجان سال تحصیلی نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مستبدانه والدین و اختلالات عاطفی-رفتاری کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین شیوه فرزندپروری آسان‌گیر و اختلال عاطفی-رفتاری کودک رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

خسروی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت‌عنوان رابطه مادی‌گرایی و فرزندپروری با سرمایه‌های تحولی مثبت در دانش‌آموزان نشان دادند فرزندپروری اسلامی با سرمایه‌های تحولی، هم‌بستگی مثبت دارد. و مادی‌گرایی با سرمایه‌های تحولی مثبت هم‌بستگی منفی دارد. سرمایه‌های تحولی مثبت با مادی‌گرایی و فرزندپروری اسلامی پیش‌بینی‌کننده سرمایه‌های تحولی مثبت می‌باشد.

دودمان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت‌عنوان رابطه الگوهای فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان نشان داد که الگوهای فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر لامرد رابطه معناداری وجود دارد.

حجازی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت‌عنوان رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی دختران نوجوان نشان داد که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیر با عدم ثبات عاطفی، فروپاشی شخصیت و عدم بلوغ عاطفی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین سبک فرزندپروری مستبد با مؤلفه دشواری در توصیف احساسات نیز رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت. همچنین بین سبک مقتدر با ناگویی خلقی کل و تمامی مؤلفه‌های آن ارتباط منفی وجود داشت. سبک سهل‌گیر توان تبیین عدم ثبات عاطفی، فروپاشی شخصیت و عدم بلوغ عاطفی به ترتیب به میزان ۲۴/۸، ۱۹/۲ و ۲۴/۴ درصد از واریانس کل آنها را دارد.

رجبی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی رابطه بین خودانتقادی، جهت‌گیری مذهبی درونی، افسردگی و احساس تنهایی با میانجی‌گری خودخاموشی در دانشجویان درگیر رابطه رمانتیک نشان دادند. بین خودانتقادی<sup>۱</sup> با خودخاموشی و خودانتقادی<sup>۲</sup> با افسردگی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

وانگ<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) در بررسی موضوعی تحت‌عنوان رابطه سبک‌های فرزندپروری و سازگاری علمی و رفتاری در نوجوانان شهری چینی، پژوهشی را انجام داد. وی بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نتایج آموزشی و رفتاری نوجوانان، در دانش‌آموزان کلاس هشتم در دو شهرستان در چین، دریافت که اکثر پدر و مادر چینی سبک‌های

1. self-criticism  
2. depression  
3. Wang, H.

فرزندپروری مطلوب، مانند سبک‌های فرزندپروری دموکراتیک یا معتبر اتخاذ می‌کنند. میلینگر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فرزندپروری مقتدرانه هم‌بستگی با دل‌بستگی ایمن دارد و فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه نیز هم‌بستگی مثبتی با دل‌بستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا دارد.

بنابراین فرضیه پژوهش عبارت است از:

- بین سبک‌های فرزندپروری و خودخاموشی رابطه معناداری وجود دارد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و خودخاموشی در دانشجویان دانشگاه آپادانا انجام شد.

خانواده نخستین پایگاه تربیتی و قطعاً اولین و مهم‌ترین کانون پرورش صحیح، احیاء و شکوفایی استعداد‌های فرزندان است. بخش عمده‌ای از پرورش صحیح عقل و عاطفه که پایه اساسی سعادت انسان را تشکیل می‌دهد، برعهده والدین می‌باشد که باید از کودکی شروع شود. در واقع خانواده همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که بر سلامت جسمی و روانی فرزندان تأثیرگذار است. وظیفه والدین در خانواده مراقبت از فرزندان و تربیت آنها، برقراری ارتباطات سالم اعضای خانواده با هم و کمک به استقلال کودک می‌باشد (Brummer et al., 2021).

در اکثر نظریه‌های روان‌شناسی رشد، چگونگی روابط کودک با اعضای خانواده و مخصوصاً مادر یکی از اساسی‌ترین عامل رشد شخصیت شناخته شده است. اگر در روابط عاطفی مادر و کودک اختلالی به وجود آید، موجب به‌هم‌خوردن امنیت عاطفی در کودک می‌شود که آثار آن را در رفتار کودک می‌توان مشاهده کرد. نگرش‌های والدین نسبت به کودک منجر به ایجاد جو هیجانی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می‌نمایند. از این نگرش‌ها به‌عنوان سبک فرزندپروری<sup>۲</sup> یاد می‌شود. در واقع فرزندپروری فعالیت پیچیده و در برگیرنده رفتارهای خاصی است که کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از گرایش‌ها، اعمال و جلوه‌های غیرکلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند (Darling & Steinberg, 1991). می‌توان گفت که فرزندپروری شامل یک سری از مهارت‌های بین فردی و توقعات هیجانی است که هنوز آموزش رسمی کمی درباره این آموزش وجود دارد. بیشتر والدین فعالیت‌های فرزندپروری را از والدین خود یاد می‌گیرند (Brummer et al., 2021). در واقع والدین جوان اغلب روی خاطرات مربوط به تجربه‌های کودکی‌شان تکیه می‌کنند و از والدین‌شان و دیگر اعضای خانواده، به‌عنوان الگوهایی برای طراحی رفتار فرزندپروری استفاده می‌کنند (Wang, 2022).

رابطه والد-فرزندی یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق، صمیمیت و امنیت به‌طور مستقیم ریشه در این روابط دارد (Carnes-Holt, 2012). روان‌شناسان از دهه ۱۹۲۰ به بعد علاقه‌مند به تحقیق در زمینه شیوه‌های فرزندپروری بودند. رفتارهای منفی والدین زمینه‌ساز مشکلات رفتاری و روانی و ورود به چالش‌های روانی و اجتماعی فرزندان می‌شود (Brewer et al., 2017).

بامریند از ترکیب این دو عنصر سه شیوه فرزندپروری به‌وجود آورد که عبارت‌اند از شیوه فرزندپروری مقتدر<sup>۳</sup> (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی بالا)، شیوه فرزندپروری مستبد<sup>۴</sup> (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی پایین) و شیوه فرزندپروری آزادگذار<sup>۵</sup> (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی بالا). در سال ۱۹۸۳ بامریند شیوه

1. Millings et al.  
2. parenting style  
3. authoritative  
4. authoritarian  
5. permissive

چهارمی به نام شیوه فرزندپروری بی‌توجه یا مسامحه‌کار<sup>۱</sup> (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی پایین) را اضافه کرد (Lisa & Gree, 2012). با توجه به اینکه هر خانواده‌ای شیوه تربیتی خاص خود را دارد و هر کدام از این شیوه‌ها می‌تواند تأثیر خاصی روی فرزند بگذارد، باید بررسی کرد که کدام شیوه تربیتی می‌تواند بر افکار و عقاید و طرز برخورد فرد با دیگران تأثیر بیشتری داشته باشد و سبب رشد اجتماعی بیشتری در فرد گردد و همچنین شیوه‌های نظارت والدین بر فرزندان می‌تواند به‌عنوان مکانیزم بر تکانشگری فرزندان تأثیرگذار باشد (Jiménez-Barbero et al., 2016). بنابراین مسئله اساسی در این پژوهش این است که آیا بین سبک‌های فرزندپروری با خودخاموشی رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟

شیوه‌ای که والدین در مورد تربیت فرزندان به کار می‌گیرند، در شخصیت فرزند و ویژگی‌های شناختی او تأثیر بسزایی دارد. با توجه به اهمیت و نقش والدین در تربیت فرزندان و الگوپذیری کودکان، آشنایی والدین با شیوه‌های صحیح فرزندپروری و نحوه برخورد با کودکان در جهت بهداشت روانی خانواده و یافتن رابطه و تعامل والدین با فرزند خویش، را بر آن می‌دارد که با بررسی بیشتر این الگوها، خانواده‌ها را در قرار گرفتن روند صحیح فرزندپروری یاری دهیم و بهتر کردن شیوه‌های فرزندپروری و تربیتی والدین و به دنبال آن رشد اجتماعی بهتر کودکان و به کار بستن روش‌های صحیح و برخورد منطقی‌تر از طرف والدین اهمیت و ضرورت این تحقیق را آشکار می‌سازد. در همین راستا و در اهمیت شیوه‌های فرزندپروری بر متغیرهای روان‌شناختی پژوهش‌های مهمی انجام شده است. این پژوهش نیز سعی دارد تا با انجام این پژوهش افق‌های تازه‌ای را برای حل این مشکلات ترسیم کند.

### روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی از نوع هم‌بستگی است که به بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خودخاموشی دانشجویان دانشگاه آپادانا شهر شیراز می‌پردازد. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه آپادانا شهر شیراز می‌باشند که در سال تحصیلی ۱۴۰۱ در این شهر مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه شامل ۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آپادانا می‌باشد. نمونه موردنظر با استفاده از لینک ساخته‌شده در گروه‌های مجازی مورد آزمون قرار گرفتند.

داده‌های پژوهش از طریق ابزار زیر جمع‌آوری گردید:

پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند: این پرسش‌نامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیر، ۱۰ ماده به شیوه مستبد و ۱۰ ماده دیگر به شیوه قاطع و اطمینان‌بخش در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پژوهش آزمودنی‌ها با مطالعه هر ماده نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند که نمراتی بین ۱ تا ۵ می‌گیرند. این پرسش‌نامه توسط بامریند در سال ۱۹۹۱ براساس نظریه وی ساخته شد و در سال ۱۳۷۴ توسط اسفندیاری به فارسی ترجمه شد. میزان اعتبار این مقیاس در تحقیق اسفندیاری برای شیوه سهل‌گیری ۰/۶۹، برای شیوه مستبد ۰/۷۷ و برای شیوه قاطع و اطمینان ۰/۷۳ به دست آمد. بامریند میزان اعتبار این پرسش‌نامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل‌گیر، ۰/۸۵ برای مستبد، ۰/۹۲ برای الگوی قاطع و اطمینان‌بخش پدران گزارش نمود. همچنین وی در مورد میزان روایی پرسش‌نامه این نتایج را گزارش نمود. مستبد بودن مادر رابطه معکوس با سهل‌گیری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی او (۰/۵۲) دارد.

کلید پرسش‌نامه

۱. زیرمقیاس شیوه آزادگذاری (۱۰ عبارت): ۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۴-۲۸-۲۹

۲. زیرمقیاس شیوه استبدادی (۱۰ عبارت): ۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۱-۲۵-۲۶

۳. زیرمقیاس شیوه اقتدار-منطقی (۱۰ عبارت): ۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰ پرسش نامه خودخاموشی (STSS)<sup>۱</sup>: به منظور اندازه گیری خودخاموشی، مقیاسی توسط جک در سال ۱۹۹۱ ارائه شده است. این مقیاس ۳۱ گویه ای، به صورت خود گزارشی<sup>۲</sup> تنظیم شده است. مقیاس خودخاموشی یا (STSS)<sup>۳</sup> براساس مطالعات طولی زنان طراحی شده است (جک، ۲۰۱۰). سطح سنجش این مقیاس طیف لیکرت پنج گزینه ای با دامنه ی بسیار موافق تا بسیار مخالف می باشد. این مقیاس شامل چهار زیرمقیاس است: ارزیابی و درک خود به وسیله ی استانداردهای بیرونی<sup>۴</sup>، مراقبت از دیگران به قیمت قربانی کردن خود<sup>۵</sup>، خاموش کردن خود<sup>۶</sup>، خود تقسیم شده<sup>۷</sup>. هریک از این مفاهیم، قابلیت تبدیل به خرده مقیاس هایی برای سنجش عملیاتی خودخاموشی را نیز دارا می باشند (جک، ۲۰۱۰). در رابطه با سنجش میزان خودخاموشی باید گفت که این مقیاس با طیف لیکرت پنج گزینه ای سنجیده شده است: (کاملاً درست = ۵، درست = ۴، نه نادرست و نه درست = ۳، نادرست = ۲، کاملاً نادرست = ۱) و برخی گویه ها (۱۵-۳۱-۸-۱۱-۱) نیز به صورت برعکس (کاملاً درست = ۱، درست = ۲، نه نادرست و نه درست = ۳، نادرست = ۴، کاملاً نادرست = ۵) کد گذاری شده اند. حداقل نمره ی خودخاموشی (که از جمع ۳۰ گویه به دست می آید) ۳۰ و حداکثر نمره ۱۵۰ است. نمره ی بیشتر معادل میزان خودخاموشی بیشتر و نمره ی کمتر معادل میزان خودخاموشی کمتر است. جک و دیل<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) بیان کردند که ماده های این ابزار بیان کننده صفات شخصیتی نیست بلکه ترکیبی از طرحواره های شناختی و فرهنگی است که راهنمای رفتار اجتماعی و خودارزیابی زنان است.

جک و دیل (۱۹۹۲) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسش نامه را در زنان دانشجو ۰/۸۶، در زنان باردار ۰/۸۹ و در زنان پناهنده ۰/۹۴ و ضریب روایی این ابزار با پرسش نامه افسردگی ۲۱ ماده ای بک (BDI-21) در هر سه گروه فوق معنادار به دست آورده اند. در پژوهش ملک محمدی (۱۳۹۲)، ضریب پایایی آلفای کرونباخ مقیاس خودخاموشی ۰/۷۲ و ضریب روایی هم زمان آن با مقیاس ۳۳ ماده ای هم دلی عاطفی ۰/۴۲ (ژندا<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵؛ ترجمه: بشارت و حبیب نژاد، ۱۳۸۹) به دست آمدند.

### یافته های پژوهش

داده های خام بعد از جمع آوری با نرم افزار spss در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی به محاسبه شاخص هایی نظیر میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات پرداخته شد و در سطح استنباطی با استفاده از آزمون های تحلیل رگرسیون و ضریب هم بستگی پیرسون به بررسی و آزمون فرضیه های پژوهش پرداخته شد. جدول ۱ جدول فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی شرکت کنندگان را به تفکیک جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت تحصیلات نشان می دهد.

1. silencing the self scale
2. self. report
3. silencing the self scale
4. externalized self perception
5. care as self sacrifice
6. silencing the self
7. divided self
8. Jack & Dill
9. Jenda



جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	گروه	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۶۹	۸۴
	مرد	۱۱	۱۶
تحصیلات	کاردانی	۷	۹
	کارشناسی	۶۹	۸۶
	ارشد	۴	۵
وضعیت تأهل	مجرد	۶۵	۸۱
	متأهل	۱۵	۱۹

در جدول ۲ آمار توصیفی سبک‌های فرزندپروری و خودخاموشی شرکت‌کنندگان به تفکیک میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات محاسبه شده است.

جدول ۲. جدول آمار توصیفی سبک‌های فرزندپروری و خودخاموشی شرکت‌کنندگان

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
سبک‌های فرزندپروری	اقتدار منطقی	۳۴/۴۰	۴/۱۹	۲۴	۴۳
	استبدادی	۲۶/۵۸	۵/۴۹	۱۶	۳۸
	سهل‌گیر	۲۸/۴۳	۶/۱۹	۱۲	۴۶
خودخاموشی		۸۱/۹۳	۱۶/۵۴	۴۳	۱۱۷

جدول ۳ آزمون هم‌بستگی پیرسون را بین سبک‌های فرزندپروری و خودخاموشی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با خودخاموشی شرکت‌کنندگان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اما بین سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه با خودخاموشی شرکت‌کنندگان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۳. ماتریس هم‌بستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری و خودخاموشی شرکت‌کنندگان

خودخاموشی	سهل‌گیر	استبدادی	اقتدار منطقی
			۱
		۱	۰/۶۳۸**
	۱	۰/۷۰۳**	۰/۵۷۹**
۱	۰/۴۶۶**	۰/۴۲۴**	۰/۵۸۷**

\*  $P \leq 0.05$  \*\*  $P \leq 0.01$

جهت پیش‌بینی خودخاموشی براساس سبک‌های فرزندپروری، از آزمون رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان استفاده شد که نتایج حاصل از آن در جدول ۴ آمده است. با توجه به جدول ۴ همان‌گونه که مشاهده می‌شود میزان  $R$  برابر ۰/۶۳۹ و میزان  $R^2$  برابر ۰/۴۰۹ می‌باشد. به عبارتی سبک‌های فرزندپروری در کل نزدیک به ۴۰ درصد از واریانس نمرات خودخاموشی را تبیین می‌کند. همچنین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی به صورت منفی و معناداری قادر به پیش‌بینی خودخاموشی می‌باشد.



جدول ۴. آزمون رگرسیون پیش‌بینی خودخاموشی براساس سبک‌های فرزندپروری

متغیر ملاک: خودخاموشی						
متغیر پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	F	P	$\beta$	T
اقتدار منطقی	۰/۶۰۸	۰/۳۶۹	۱۴/۸۲۷	۰/۰۰۱	-۰/۴۸۹	۴/۰۱۵
استبدادی	۰/۶۰۸	۰/۳۶۹	۱۴/۸۲۷	۰/۰۰۱	۰/۰۳۳	۰/۲۳۹
سهل‌گیر	۰/۶۰۸	۰/۳۶۹	۱۴/۸۲۷	۰/۰۰۱	۰/۲۰۶	۱/۵۶۲

## بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که نتایج نشان داد بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با خودخاموشی شرکت‌کنندگان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. اما بین سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه با خودخاموشی شرکت‌کنندگان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی به صورت منفی و معناداری قادر به پیش‌بینی خودخاموشی می‌باشد.

نتیجه این آزمون با نتایج تحقیقات رجبی و همکاران (۱۳۹۴)، سلیمانی (۱۴۰۱)، خسروی و همکاران (۱۴۰۱)، دودمان و همکاران (۱۳۹۸)، حجازی و همکاران (۱۳۹۷)، وانگ (۲۰۲۲) و میلینگر و همکاران (۲۰۲۱) هم‌سو می‌باشد. در رابطه بین فرزندپروری اقتدار منطقی با خودخاموشی باید گفت این فرزندان والدین دارای سبک مقتدرانه، رفتاری را که بامریند از آن به عنوان رفتار پراثری-دوستانه یاد می‌کند، از خود نشان می‌دهند. این فرزندان بسیار متکی به خود و سرحال بوده، بسیار خوب با فشار مقابله می‌کنند و پیشرفت - مدار هستند. بسیاری از مشاهده‌گران دیگر نیز با بامریند هم‌نظرند. در سبک مقتدرانه، والدین قوانین و انتظارات روشنی را برای کودکان وضع می‌کنند و با کودک در مورد این قوانین مذاکره می‌کنند. آنها دیدگاه کودک را می‌شناسند و از منطق و قدرت جهت اعمال معیارهایشان بهره می‌برند. سبک مقتدرانه شبیه یک مدل متعادل سیستم در نقشه زوج و خانواده است (Hernandez, 2021). این خانواده‌ها از دامنه متصل تا هم‌بسته در حوزه هم‌بستگی (صمیمیت) و از دامنه ساختاریافته تا انعطاف‌پذیر در حوزه انعطاف‌پذیری قرار می‌گیرند. پژوهش‌های قابل ملاحظه در حوزه فرزندپروری نشان داده‌اند که فرزندان سیستم متعادل خانوادگی از نظر هیجانی سالم‌تر، شاداب‌تر و در زندگی و مدرسه موفق‌ترند (Hernandez, 2021).

در رابطه بین فرزندپروری استبدادی با خودخاموشی باید گفت در سبک مستبدانه والدین قواعد و انتظارات خشکی را وضع کرده و به طور سخت و جدی آنها را اعمال می‌کنند. این والدین، انتظار فرمان‌برداری از جانب فرزندان دارند. سبک قدرت‌طلب در نقشه خانواده و زوج در گوشه سمت راست پایین قرار می‌گیرد. این نوع خانواده‌ها در دامنه ساختاریافته تا خشک (انعطاف‌ناپذیر) در حوزه انعطاف‌پذیری و در دامنه هم‌بسته تا درگیر (چسبده) در حوزه هم‌بستگی (صمیمیت) قرار می‌گیرند. همان‌طور که سبک قدرت‌طلب تشدید می‌شود، خانواده به سمت سبک درگیر و خشک حرکت می‌کند. این نوع از سیستم خانوادگی به ویژه برای نوجوانان که تمایل به موضع‌گیری برخلاف والدین قدرت‌طلب دارند، مشکل‌ساز است. در مشاهدات بامریند، کودکان این والدین، اغلب از نظر رفتاری متعارض و تحریک‌پذیر و دارای خلق بی‌ثبات، ناخرسند، آسیب‌پذیر در مقابل فشار و غیردوستانه هستند (Yi et al., 2011).

در تبیین رابطه سبک سهل‌گیرانه و خودخاموشی باید گفت والدین سهل‌گیر توجه بیش‌ازحد به فرزندان خود دارند، از آنان انتظارات کمی دارند و اغلب استقلال و آزادی زیادی به فرزندان می‌دهند، ولی معمولاً اهداف و انتظارات روشنی برای فرزندان ترسیم نمی‌کنند و از طرف دیگر به دلیل کنترل و نظارت پایینی که بر رفتارها و اعمال فرزندان‌شان دارند، شرایط را برای اعتیاد فرزندان‌شان به طور ناخواسته فراهم می‌کنند (قانع، ۱۳۹۸). والدین سهل‌گیر، هیچ‌گونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این کودکان به دو صورت رشد می‌کنند. این کودکان یا به دلیل

بی‌توجهی والدین دارای کم‌ترین میزان اعتماد به نفس، کنج‌کاری و خودکنترلی می‌شوند و یا به دلیل اینکه والدین آنها هیچ‌گونه استبدادی را در تربیت آنها نشان نمی‌دهند از میزان اعتماد به نفس و خودکنترلی بالایی برخوردار می‌شوند. تأثیر رفتار و طرز فکر والدین در شکل‌گیری چگونگی رفتار کودکان از اهمیت اساسی برخوردار است. والدینی که رابطه مطلوب و درستی با فرزندان خویش دارند، موجب شادمانی، مسئولیت‌پذیری و تکامل شخصیتی فرزندان خود می‌شوند (Ran et al., 2021).

روش تربیت فرزندان از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است و می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌های روانی و اجتماعی پیشگیری کند. سبک فرزندپروری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رشد روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و مشکلات رفتاری در آینده باشد. به‌طور کلی میزان پاسخ‌دهی والدین پیش‌بینی‌کننده کفایت‌های اجتماعی و کارکردهای روانی اجتماعی است. به نظر می‌رسد والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی و تربیت فرزندان‌شان می‌کنند دارای فرزندانانی هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می‌شوند و با توجه به اینکه از سوی دیگر والدینی که رفتار مطلوب و درستی با فرزندان خود ندارند باعث بروز انواع مشکلات رفتاری در آنان می‌شوند. برای آنکه کودک به شکل سالم و هنجار رشد یابد بایستی در حد معقول نیازهای شخصیتی، روانی، فیزیکی و اجتماعی او ارضا شود (Ran et al., 2021).

ناکامی در رفع این نیازها باعث مشکلات رفتاری، بزهکاری و ناشادی کودک می‌گردد و شرایط خانوادگی زمینه‌ساز این ناکامی‌هاست. نگرش‌های والدین نسبت به کودک منجر به ایجاد جو هیجانی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می‌نمایند. فرزندپروری فعالیتی پیچیده و در برگیرنده رفتارهای خاصی است که کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از گرایش‌ها، اعمال و جلوه‌های غیرکلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند (Thompson et al., 2007). والدین مستبد از تهدید فرزندان به عنوان شیوه‌ای برای کنترل استفاده می‌کنند. شیوه‌های فرزندپروری خصمانه و اجباری به‌طور کلی سبب کاهش سازگاری و به‌طور خاص موجب ایجاد مشکلات رفتاری برون‌سازی در نوجوانان می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که استفاده والدین دارای سبک فرزندپروری مستبد از اجبار و تنبیه و سرزنش در نهایت موجب احساسات ناخوشایند در فرزندان آنها و غیرمنطقی بودن والدین و فرزندان خواهد گردید. سبک فرزندپروری مقتدر با پیامدهای رفتاری مثبت همچون خودتنظیمی، قابلیت‌های اجتماعی بالا، سازگاری اجتماعی مثبت و سطح پایین نارسانا کنشی شناختی رفتاری ارتباط داشته است. این نتایج نشان‌دهنده این است که نوجوانانی که دارای والدین با سبک اقتدار-منطقی هستند، رابطه عاطفی و گرم‌تری با والدین خود دارند و بهتر می‌توانند در مورد احساسات و مسائل خود با والدین گفت‌وگو کنند. این امر احتمالاً به رشد عاطفی، اجتماعی و رفتارهای بهنجار این نوجوانان کمک خواهد نمود. از طرفی والدین سهل‌گیر از تنبیه و سرزنش فرزندان خود اجتناب می‌کنند و تنها توجه کمتری نسبت به آنها دارند، و این بی‌توجهی تخریب کمتری در روابط عاطفی آنان با فرزندان آنها دارد. و فرزندان آنها از احساسات بهتری نسبت به فرزندان والدین مستبد برخوردار هستند (Flett et al., 2007).

## منابع

- پاکدامن، مجید، خامسان، احمد، و براتی، فخرالسادات. (۱۳۹۰). نقش سبک‌های فرزندپروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان. *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۸(۱۴)، ۲۳-۴۰.
- جعفرپور، آیدا، چمن‌فر، مهسا، و ذبیحی‌دان، سحر. (۱۴۰۱). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و مهارت‌های انگیزش در دانشجویان دانشگاه آپادانا، *نخستین کنفرانس ملی مطالعات روان‌شناسی سلامت روان*، شیراز.

- حجازی، مسعود، و شجری، پروین. (۱۳۹۷). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی دختران نوجوان، *اولین کنفرانس ملی تازه‌های روان‌شناسی تکاملی و تربیتی*، بندرعباس.
- خسروی اینچه، آرمان، و سام مهر، وحید. (۱۴۰۱). رابطه مادی گرایی و فرزندپروری با سرمایه‌های تحولی مثبت در دانش‌آموزان، *پنجمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام*، تهران.
- دودمان، پروانه، و قلتاش، عباس. (۱۳۹۸). رابطه الگوهای فرزندپروری والدین با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، *پنجمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام*، تهران.
- رجبی، غلامرضا، ملک محمدی، فاطمه، امان الهی‌فر، عباس، و سودانی، منصور. (۱۳۹۴). خودانتقادی، جهت‌گیری مذهبی درونی، افسردگی و احساس تنهایی با میانجی‌گری خودخاموشی در دانشجویان درگیر رابطه‌ی رمانتیک. *مجله اصول بهداشت روانی*، (۶)، ۹۱-۲۸۴.
- زارعی، امین، و حسنی، کاظم. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر خانواده بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان کرمانشاه. *مجله پژوهش‌های تربیت اسلامی*، ۱، ۱-۳۱.
- سلیمانی، فاطمه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین و اختلالات عاطفی-رفتاری دانش‌آموزان شهر زنجان سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲، *اولین کنفرانس ملی تازه‌های روان‌شناسی تکاملی و تربیتی*، بندرعباس.
- شهابی، منوره، کریمی، زهرا، و سلیمانی، سودابه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین بر عزت‌نفس دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه اول و دوم شهرستان رابر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲، *اولین کنفرانس ملی تازه‌های روان‌شناسی تکاملی و تربیتی*، بندرعباس.
- قانع، زینب. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه‌ی بین جو عاطفی خانواده و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان مقطع متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- Bododo, M. M., & Ibrahim, D. S. (2020). *Common parenting styles and behaviour disorders among senior secondary school students in gombe metropolis*. *Kano Journal of Educational Psychology*, 2(1), 63-69.
- Bornstein, M. (2002). *Handbook on parenting: children and parenting*. Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum Publishers.
- Brewer, S., Godley, M. D., & Hulvershorn, L. A. (2017). Treating mental health and substance use disorders in adolescents: What is on the menu? *Current Psychiatry Reports*, 19(1), 5-17.
- Brummer, J., Hesse, M., Frederiksen, K. S., Karriker -Jaffe, K. J., & Bloomfield, K. (2021). How do register -based studies contribute to our understanding of alcohol's harms to family members? A scoping review of relevant literature. *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*, 82(4), 445-456.
- Carnes-Holt, K. (2012). Child-parent relationship therapy for adoptive families. *The Family Journal*, 20(4), 419-426.
- Cramer, K. M., & Thoms, N. (2003). Factor structure of the silencing the self scale in women and men. *Personality and Individual Differences*, 35(3), 525-535.
- Darling, N. & Steinberg, L. (1999). Parenting style as context: an integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- Flett, G. L., Besser, A., Hewitt, P. L., & Davis, R. A. (2007). Perfectionism, silencing the self, and depression. *Personality and individual differences*, 43(5), 1211-1222.
- Haeny, A. M., Gueorgieva, R., Morean, M. E., Krishnan-Sarin, S., DeMartini, K. S., Pearson, G. D., ... & O'Malley, S. S. (2020). The association of impulsivity and family history of alcohol use disorder on alcohol use and consequences. *Alcoholism: clinical and experimental research*, 44(1), 159-167.
- Hernandez, M. (2021). *Childhood ADHD, Impulsivity, and Alcohol-Related Impairment Among Diverse College Students* (Doctoral dissertation, City University of New York).
- Jack, D. C. (1991). *Silencing the self*. Cambridge MA: Harvard University.
- Jack, D. C., & Ali, A. (Eds.). (2010). *Silencing the self across cultures: Depression and gender in the social world*. Oxford University Press.
- Jack, D. C., & Ali, A. (Eds.). (2010). *Silencing the self across cultures: Depression and gender in the social world*. Oxford University Press.

- Jack, D. C., & Dill, D. (1992). The Silencing the Self Scale: Schemas of intimacy associated with depression in women. *Psychology of women quarterly*, 16(1), 97-106.
- Jack, D. C., & Dill, D. (2010). The Silencing the Self Scale: Schemas of intimacy associated with depression in women. *Psychology of women quarterly*, 16(1), 97-106.
- Jiménez-Barbero, J. A., Ruiz-Hernández, J. A., Llor-Esteban, B., & Waschgler, K. (2016). Influence of attitudes, impulsivity, and parental styles in adolescents' externalizing behavior. *Journal of health psychology*, 21(1), 122-131.
- Lisa, C., & Green, B. S. (2012). The long-term affects of parenting styles on children: a review of the research an annotated bibliography. Available from: <http://www.parentingscience.com>.
- Millings, A., Walsh, J., Hepper, E., & O'Brien, M. (2021). Good partner, good parent: Responsiveness mediates the link between romantic attachment and parenting style. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 39(2), 170-180.
- Querido, J. G., Warner, T. D., & Eyberg, S. M. (2011). Parenting styles and child behavior in African American families of preschool children. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 31(2), 272-277.
- Ran, H., Fang, D., Donald, A. R., Wang, R., Che, Y., He, X., ... & Xiao, Y. (2021). Impulsivity mediates the association between parenting styles and self-harm in Chinese adolescents. *BMC public health*, 21(1), 1-9.
- Rinaldi, C. M., & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27(2), 266-273.
- Swim, J. K., Eyssell, K. M., Murdoch, E. Q., & Ferguson, M. J. (2010). Self-silencing to sexism. *Journal of Social Issues*, 66(3), 493-507.
- Thompson, J. M., Whiffen, V. E., & Aube, J. A. (2007). Does self-silencing link perceptions of care from parents and partners with depressive symptoms?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18(4), 503-516.
- Wang, H. (2022). The relationship between parenting styles and academic and behavioral adjustment among urban Chinese adolescents. *Chinese Sociological Review*, 46(4), 19-40.
- Yi, S., Poudel, K. C., Yasuoka, J., Palmer, P. H., Yi, S., & Jimba, M. (2011). Risk vs. protective factors for substance use among adolescents in Cambodia. *Journal of Substance Use*, 16(1), 14-26.